

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حسین لاجوردی
فرستنده: فرح نوتاش
۰۶ جولای ۲۰۲۲

بحران - انفجار اجتماعی

بحران در لغت به معنای آشفتگی و تغییر حالت ناگهانی است که به مرگ هم می تواند منجر شود.

بحران یعنی وضعیتی که امروز دچارش هستیم:

- کشورمان در بحران است،
- مردم در یک حالت اضطراب، افسردگی، بی تفاوتی و انتظار به سر می برند
- و حکومت در بالاترین حد بحران زائی.

در بحران چه می کنند؟ پاسخ بسیار روشن و مشخص است، محور اساسی برای مقابله با بحران، تلاش برای مدیریت و رفع بحران است و نیروها تلاش می کنند تا بلکه بتوانند بحران را کنترل و از در افتادن به دامان مرگ و نیستی و نابودی مانع شوند.

امروز جامعه ما در درون کشور و در یک مجموعه ای از بحران زندگی می کنند، کشوری داریم که به رغم تمامی ویرانی ها و غارت های باورنکردنی حکومت جمهوری اسلامی همچنان ثروتمند است. ثروت لایزالی که نامش نیروی انسانی و جمعیتی جوان و پُر انرژی ست، نیمی از این جمعیت ۸۵ میلیونی حدود ۳۰ سال عمر دارند و ۴۵٪ از این جمعیت بین ۳۰ سال تا ۶۴ سال که با معیارهای گروه سنی امروز که امید زندگی بالا رفته است همچنان در سنین کار و دارای توان و انرژی بسیاری می باشند که خود بزرگترین ثروت یک جامعه است. از سویی دیگر ثروت زیر زمینی ایران است که به معادن نفت و گاز و دیگر معادن زیر زمینی باز می گردد و دیگر منبع درآمدی و ثروت ایران توریسم است که به دلیل پهنه گسترده زیبایی ها و تاریخ کهن کشورمان ثروتی است که با نبود جمهوری اسلامی از طریق توریسم عاید کشور می گردد که همچنان قادر است ما را در ردیف بزرگترین و ثروتمندترین کشورهای جهان قرار دهد.

در خارج از مرزهای ایران و در میان حدود ۶ میلیون نفری که به دلیل وجود جمهوری اسلامی در خارج از ایران زندگی می کنند نیز خود منبعی دیگر از ثروت ایران است که امروز در زمینه های متعدد و متفاوت به شهرتی جهانی دست پیدا کرده اند و بی شماری از آنان همچنان دل در گرو کشورشان دارند.

با چنین نگاه و اندیشه ای به دیروز، امروز و فردای مان ناگزیر و باید برای مقابله با چنین بحران دهشتناکی چاره ای اندیشید و به فکر تشکیل اتاق مدیریت بحران بود که پاسخ به چند سؤال را به دنبال دارد:

- آیا وجود بحران را می پذیریم ؟
- آیا می پذیریم که خطر از همیشه نزدیکتر است ؟
- آیا می پذیریم که در این زمینه وظایف و مسؤولیت هائی داریم ؟
- آیا می پذیریم که باید فارغ از خودخواهی و خودمحوری ها قدم پیش گذاشت ؟

در پاسخ به پذیرش موارد فوق اگر ما به عنوان اپوزیسیون و کسانی که خواهان نبود جمهوری اسلامی و خواهان سرنگونی آن در تمامیت، کلیت و موجودیتش هستیم تا کنون و به رغم تمامی تلاش ها نتوانسته ایم این حکومت را سرنگون و یک حاکمیت دموکراتیک، آزاد و برابر را جایگزینش کنیم ناچار باید بدین سؤال پاسخ گوئیم که مشکل کجاست و ناتوانی ما از کجا سرچشمه می گیرد.

تا زمانی که نخواهیم و نتوانیم بدین سؤال پاسخ دهیم فاجعه همچنان ادامه خواهد داشت، این که ممکن است که حکومت به دلایل پاسخ نداشتن برای عامه مردم و نداشتن هیچ گونه برنامه ای برای فردای ایران سقوط کند به طور قطع وجود دارد ولی این که جایگزینش حکومتی ملی و مردمی باشد علامت سؤال بزرگی خواهد بود.

واقعیت اینست که توان و انرژی ما بیشتر از این که صرف براندازی و سرنگونی جمهوری اسلامی شده باشد به برخوردها و مناقشات درون گروهی انجامیده و بیشترین نتیجه اش نه برای مردم که در جهت باقی ماندن حکومت جمهوری اسلامی بوده است.

بدون قضاوت ارزشی در گم و کیف این مهم و نصیحت و توصیه های متداول شاید بتوان یکی از عوامل بی اعتمادی به اپوزیسیون و نا امیدی در جامعه ایران را در همین ناهمگونی های اپوزیسیون جست و جو کرد. واقعیتی که تلخ است ولی واقعیت تلخ نیز خود واقعیتی انکار ناپذیر است.

چه باید کرد؟

نخست بپذیریم که تا زمانی که حکومت جمهوری اسلامی وجود دارد هیچ کدام ما در هیچ جایگاه و منصب و ... نیستیم و آنهایی که برای خود پُست و مقامی قائل می شوند و انتظار دارند که از همین امروز پُست و مقام آنها مورد قبول واقع شود باید بدانند که همان هائی هستند که تا کنون مانع شکل گرفتن یک اپوزیسیون واقعی و کارآمد بوده اند.

امروز و پس از ۴۴ سال، سال های سیاهی و وحشت بپذیریم که بحران اجتماعی-سیاسی در انتظار آشتی کنان ما باقی نمی ماند امروز بدانیم که اگرچه پس از ۴۴ سال اختلاف ها و تضادهای ما همچنان در اوج است ولی به مانند هر پدیده اجتماعی دیگر پادزهر آن در خودش نهفته است. اگر پادزهر این بحران را در مدیریتی بدانیم که بتواند بر آن فائق آید بی تردید و در یک زمان کوتاه می توان گام های مؤثری در این زمینه برداشت.

امروز جامعه برون مرز ما به گفته دوست و دشمن در یک جایگاه رفیع و بلند مرتبه ای قرار دارد و طبیعی است که به دلیل همان ویژگی های خاص خودش همانگونه که توانسته است برای جوامعی که در آن زندگی می کند مفید و مؤثر باشد، بی تردید خواهد توانست فارغ از برخوردهای فکری و ایدئولوژیک و سازمانی و حزبی به صورت تخصصی، در یک جو دموکراتیک به مفهوم واقعی کلمه و نه در لوای شعارهای موجود، مدیریت بحران را پایه گذارد که این مدیریت بحران بیشترین ظرفیت و توان خود را برای راهگشائی مسائل امروز و آینده ایران به کار گیرد.

تشکیل چنین مجموعه ای نخست و در زمره اولین وظایفش راه یابی برای جامعه ایست که 'حاکمیت مردمی' در آن برقرار گردد.

حاکمیتی که برای یکبار هم که شده پس از بیشتر از یک قرن بر پایه های عقلانی و شعور سیاسی و به دور از هیجان باشد.

چه کسانی در این مجموعه و یا 'مدیریت بحران' می توانند حضور داشته باشند ؟

۱- کلیه متفکران جامعه ایران، نویسندگان، هنرمندان و از هر طیف و تفکری بدون وابستگی سیاسی که نگران امروز و فردای ایران هستند و برای خود در این زمینه وظیفه و مسئولیتی را قایل هستند.

۲- تمامی کسانی که می خواهند در این مجموعه و یا - مدیریت بحران - حضور داشته باشند باید خودشان آگاه باشند و برای آگاهی دیگران هم به صورت کتبی اعلام دارند که به دنبال هیچ پست و مقام سیاسی نیستند و حق هیچ گونه شرکتی را در هیچ یک از مراتب مدیریت کشور نخواهند داشت.

۳- وظیفه و مسئولیت این مجموعه مدیریت بحران، تلاش در جهت دست یابی به راه های حلی است که قادر باشد به رفع بحران و فاجعه امروز بینجامد.

۴- این مهم انجام نخواهد شد مگر در صورتی که مورد اعتماد جامعه واقع شود و بتواند به یک وجدان ملی بدل گردد و این مهم همان است که اعتماد ملی را طلب می کند.

۵- تشکیل اتاق مدیریت بحران جز با کمک رسانه های عمومی، جمعی و ملی که اولویت اصلی آنان امروز و فردای ایران باشد به وجود نخواهد آمد.

تشکیل چنین 'مدیریتی' که بتواند اعتماد ملی را به دنبال داشته باشد بی تردید به یک نهاد ملی بدل خواهد شد که هر آنگاه که جامعه دچار بحران و مشکلی واقعی باشد پا به میدان بگذارد و در رفع بحران تلاش نماید.

در صورتی که تعداد داوطلبان برای حضور در چنین مدیریتی گسترده باشد (که امیدوارم چنین باشد)، به طور طبیعی در یک مجمع عمومی هر دو سال یکبار هیأتی را بر خواهد گزید که اداره این مدیریت را عهده دار گردد و بتواند از توان و ظرفیت جمعی برای برطرف کردن بحران استفاده کند.

می دانم خاصه در شرایط امروز و در جو هیجان های موجود پیشنهاد سختی است ولی از آنجائی که باور دارم که هیچ غیر ممکنى وجود ندارد بدان امید بسیار دارم

هوشیار باشیم، چشمهایمان را باز کنیم و به خودمان بیاییم، در بحران قرار گرفته ایم و عاقبت بحران اینست که می تواند به نابودی هه ما هم بینجامد.

ایران فرزنداناش را صدا کرده است

۱۲ تیر ماه-سرطان- ۱۴۰۱

سوم جولای ۲۰۲۲

https://hosseinladjevardi.blogspot.com/2022/06/blog-post_28.html